

## نگاهی انتقادی به گروه حرف اضافه‌ای و ویژگی‌های آن در دستور زبان فارسی

علیرضا نبی‌لو

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم  
تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲

### چکیده

گروه حرف اضافه‌ای در مقایسه با گروه‌های دیگر از ویژگی‌ها و تمایزاتی برخوردار است، هسته این گروه، برخلاف سایر گروه‌ها گاهی از مرکزیت و تفوق معنایی لازم برخوردار نیست یعنی مانند هسته سایر گروه‌ها، استقلال آوایی، املائی و دستوری دارد، ولی استقلال معنایی آن مانند هسته دیگر گروه‌ها نیست. هسته این گروه، امکان گسترش‌پذیری ندارد و دارای فهرست بسته و محدودی است، گاهی ممکن است هسته و وابسته این گروه با کلمه مشتق (پیشوند+ اسم یا صفت) مشتبه شود. از سوی دیگر گروه حرف اضافه‌ای با گروه متممی و قیدی (متمم قیدی) آمیخته شده است. هسته این گروه معمولاً پیش از وابسته می‌آید مگر در گذشته که گاهی حرف اضافه قبل و بعد از وابسته قرار می‌گرفت. این گروه در ساختمان سایر گروه‌ها به کار می‌رود و نقش دستوری ایفا می‌کند، گاهی به قرینه لفظی و معنایی در سطح گفتار و نوشتار، هسته این گروه حذف می‌شود و وابسته به تنهایی به کار می‌رود، ولی معمولاً هسته این گروه، مستقل و بدون وابسته به کار نمی‌رود.

**واژگان کلیدی:** گروه، حرف اضافه، گروه اسمی، هسته، وابسته.

### کلیات

درباره اقسام و معانی حروف اضافه نکات بسیاری در کتاب‌های دستوری وجود دارد، ولی درباره ساختار گروهی و ویژگی‌های آن کمتر بحث شده است. حروف اضافه در زبان فارسی نسبت به سایر انواع کلمه از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است و از این نظر فقط با وندها و برخی قیود مشابهت پیدا می‌کنند.

حروف اضافه در طول تاریخ زبان فارسی دگرگونی‌هایی را در خود دیده است، به گونه‌ای که در دوره‌های باستانی نسبتاً مستقل بوده و مانند اسامی، صفات و افعال از تشخص و استقلال آوایی، املایی، معنایی و دستوری برخوردار بوده‌اند و به دلیل تصریفی بودن اسامی، صفات و ضمائر به حروف اضافه کمتر توجه می‌شد. «حالت‌های مفعولی، وابستگی، دری، بایی و ازی در فارسی باستان نیاز به کاربرد حرف اضافه را تحت الشعاع قرار می‌داد.» (کنت، ۱۳۸۴: ۲۷۵) در زبان فارسی باستان، اسم، صفات و ضمائر در نقش‌های مختلف و برای بیان شمار، تصریف می‌شد و به دلیل صرف شدن، برای نشان دادن نقش‌های دستوری نیازی به بهره‌گیری از حروف اضافه نداشت. «در زبان‌های باستان که مقوله نام صرف پذیر است، صورت صرفی کلمات حاکی از حالت نحوی یعنی رابطه اجزاء جمله با یکدیگر است و به این سبب حروف کمتر به کار می‌آیند و شماره آنها در این زبان‌ها به نسبت زبان‌های دوره جدید کم است.» (خانلری، ۱۳۸۲: ۲۱۲) با توجه به این که در دوره‌های بعد کلمات، حالت تصریفی و تغییر در ساختار ظاهری خود را از دست داده‌اند، از میزان استقلال معنایی و کاربردی حروف کاسته شده و بیشتر نقش دستوری یا نقش‌سازی آنها مورد نظر قرار گرفته تا از بین رفتن حالت تصریفی کلمات با استفاده از حروف اضافه جبران شود. بنابراین حروف اضافه در دوره‌های میانه و دری کاربرد بیشتری پیدا کرده و وجوه متعددی از هر کدام در متون وارد شده و معمولاً معانی آنها متناسب با اسم و واژه بعد تبیین گردیده است. البته برخی از حروف اضافه معنای مشخص تر و متمایزتری نسبت به برخی دیگر دارند و همه حروف از نظر معناداری یکسان نیستند. آنچه مسلم است حروف اضافه مانند فعل و اسم از مقوله-های اصلی تاثیرگذار در ساختار نحوی جمله است و برخلاف قیود و صفات، کاربرد تبعی و ثانوی ندارند و ضروری است درباره آنها تحقیق و تفحص بیشتری انجام شود.

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت اگرچه در غالب کتاب‌ها و مقالات دستوری به تعریف و دسته‌بندی حروف اضافه توجه شده اما درباره ویژگی‌های آن به‌عنوان گروه حرف اضافه‌ای تحقیق جامعی وجود ندارد و مانند گروه اسمی، فعلی و قیدی به آن پرداخته نشده است؛ مقاله حاضر درآمدی است بر پژوهش درباره گروه مذکور و ویژگی‌های آن که امید است مقبول افتد.

### ۱. گروه

برای ورود به بحث گروه حرف اضافه‌ای به برخی از ویژگی‌های گروه و تنوع دسته‌بندی‌های آن در بین دستور نویسندگان توجه می‌کنیم. گروه با مرکزیت یکی از مقوله‌های دستوری شکل می‌گیرد و حد واسط واژه و جمله است. گروه «به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند به کار برود» (باطنی، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

گروه می‌تواند از یک کلمه تشکیل شود و یا وابسته‌هایی داشته باشد. «گروه به واحدی از زبان گفته می‌شود که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شود و در ساختمان جمله به کار رود.» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۰: ۸).

گروه چه یک واژه باشد چه بیشتر، مجموعاً یک واحد دستوری است که با محوریت یکی از مقوله‌های دستوری ایفای نقش می‌کند. «گروه، رشته‌ای از واژه‌هاست که به صورت یکپارچه و به‌عنوان یک واحد با دارا بودن یکی از هسته‌های مشخص فعل، اسم، صفت، حرف اضافه و قید، با رابطه دستوری خاص در جمله به کار می‌رود.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۲: ۲۵)

در تبیین تعداد گروه‌های دستوری زبان فارسی تفاوت نظرهایی در بین دستورنویسان وجود دارد، برخی به سه گروه فعلی، اسمی و قیدی اشاره می‌کنند.

«۱- گروه فعلی: جایگاه اسناد را اشغال می‌کند،

۲- گروه اسمی: از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، جایگاه مسندالیه، متمم و گاهی نیز جایگاه ادات را اشغال می‌کند،

۳- گروه قیدی: در جایگاه ادات قرار می‌گیرند.»<sup>۱</sup> (باطنی، ۱۳۷۶: ۱۱۰)

برخی تعداد گروه‌ها را بر حسب محوریت مقوله‌های اصلی و تبعی گسترش داده‌اند و ضمن افزودن گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای را نیز جداگانه ذکر می‌کنند. «به این ترتیب، گروه‌های چند گانه یعنی گروه فعلی، گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای و گروه قیدی را می‌توان باز شناخت.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۲: ۲۶)

در این میان، گروه فعلی و اسمی از گروه‌های اصلی دانسته می‌شوند «جمله از یک گروه فعلی و یک یا چند گروه اسمی درست می‌شود و گروه قیدی نیز می‌تواند بگیرد.» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۰: ۶۸).

گروه فعلی و اسمی با محوریت فعل و اسم پدید می‌آید ولی گروه قیدی مقداری متفاوت تر است و از نظر کاربرد ممکن است در جمله قابل حذف باشد. «گروه قیدی بخشی از سخن است که فعل به آن نیازمند نیست و به همین دلیل از جمله قابل حذف است.» (همان: ۱۰۴).

بنابراین گروه، واحدی زبانی است که با محوریت فعل، اسم، صفت، قید و حرف اضافه شکل می‌گیرد و وابسته ضمن حفظ نقش خود در گروه، به همراه هسته در جمله نقش ایفا می‌کند. از سوی دیگر گروه‌های فعلی و اسمی از گروه‌های اصلی، و گروه‌های قیدی و وصفی از گروه‌های تبعی هستند. گروه حرف اضافه‌ای نیز اگر به عنوان متمم اجباری با افعال خاصی همراه شود در زمره گروه‌های اصلی قرار می‌گیرد و اگر به عنوان متمم قیدی آورده شود می‌تواند نقش تبعی داشته باشد. پس از این بحث به گروه حرف اضافه‌ای و ویژگی‌های آن پرداخته می‌شود.

## ۲. گروه حرف اضافه‌ای

در دستور سنتی مفهوم گروه و گروه حرف اضافه‌ای مطرح نشده و بیشتر به بیان رابطه حرف اضافه با متمم یا مفعول با واسطه توجه شده و جنبه نقش‌سازی یا نقش‌نمایی آن بیشتر در کانون توجهات دستورنویسان قرار گرفته است. «کلماتی که نسبت میان دو کلمه را بیان کنند و ما بعد خود را متمم کلمه دیگر قرار دهند، چنانکه معنی کلمه نخستین بدون ذکر دوم ناتمام باشد.» (قریب و دیگران، ۱۳۷۰: ۲۴۸).

مطلب دیگری که درباره حروف مطرح می‌شود، نداشتن استقلال معنایی آنهاست. زیرا حروف مانند دیگر مقوله‌های دستوری، معنای تام و کاملی را القاء نمی‌کند. «مقصود از حروف، کلمات یا الفاظی هستند که به تنهایی معنایی مقننی از آنها مفهوم نمی‌شود و بیشتر بین دو کلمه یا دو جمله را ربط و اتصال می‌دهند و یا آنکه بعضی از آنها نسبت یک کلمه را با کلمه دیگر معین می‌کنند و بعضی از آنها دلالت بر یکی از احساسات طبیعی انسان می‌نمایند که توسط بعضی از این الفاظ ظاهر می‌گردد و شنونده آن را درک می‌کند و یا بر حالت و چگونگی گوینده دلالت می‌نماید و یا حس نفرت و یا تحسین یا ندامت گوینده را اعلام می‌دارد و یا شخصی و یا چیزی را می‌خواند و مخاطب می‌سازد.» (همایون‌فرخ، ۱۳۶۴: ۶۸۸) در این تعریف به نداشتن استقلال معنایی حرف اضافه و بیان نسبت کلمات با یکدیگر توجه شده است.

گاهی تعریف حروف اضافه و ربط کنار هم مطرح شده و نقش حرف اضافه را نسبت دادن اضافه کلمه به کلمه یا جمله دانسته‌اند. «حروف کلماتی هستند که خود به خود معنی مستقلی ندارند اما برای پیوستن اجزای یک جمله به یکدیگر یا نسبت دادن اضافه کلمه‌ای به کلمه و جمله یا ربط دادن دو جمله به یکدیگر به کار می‌روند» (خانلری، ۱۳۷۳: ۷۳) حروف اگرچه خود معنای مستقلی ندارند ولی در تکمیل معنا تاثیرگذار هستند. «ادات (یا حرف) کلمه‌ایست که معنای مستقلی ندارد و واسطه-ایست برای تکمیل معنایی دیگر. مانند حرف اضافه، حرف ربط، حروف اسناد و...» (خیامپور، ۱۳۷۳: ۷۲) در دستورهای سنتی معمولاً تعریف‌های حروف اضافه بیشتر معناگراست و به ساختار آن، کمتر توجه شده است. «حرف‌ها، واژک‌ها یا واژه‌ها یا گروه‌هایی هستند که معنی مستقلی ندارند و فقط برای پیوند دادن گروه‌ها یا کلمه‌ها یا جمله‌ها به یکدیگر یا نسبت دادن کلمه‌ای به کلمه یا کلمه‌ای به جمله-ای یا نمودن نقش کلمه‌ای در جمله به کار می‌روند.» (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۵۴).

گاهی حرف اضافه با عنوان حرف وابستگی در دستورها مطرح شده است. «حرف اضافه یا حرف وابستگی کلمه‌ای است که پیش از اسمی یا هرچه جانشین اسم شود می‌آورد تا تعلق و وابستگی آن اسم یا جانشین اسم را به کلمه دیگر نشان دهد.» (خطیب رهبر، ۱۳۸۱: ۲۶۵).

در برخی از دستورها به متمم‌سازی حرف اضافه و نیز نقش صفتی یا قیدی حرف اضافه و اسم همراه آن تاکید می‌شود. «حرف اضافه یا متمم ساز کلمه‌ای است که گروه اسمی یا اسمی را وابسته و متمم کلمه دیگر می‌کند مانند کار در مدرسه (متمم اسم)، به مدرسه رفتم (متمم فعل)، پر از آب (متمم صفت)، آفرین بر تو (متمم صوت)، زودتر از همه (متمم قید) باین جهت حرف اضافه از نشانه‌های مهم اسم و گروه اسمیست» (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۶۳) در این تعریف حرف اضافه از نشانه‌های اسم و گروه اسمی دانسته شده است که مقداری استقلال جایگاه گروه حرف اضافه‌ای را سست می‌کند. آنچه مسلم است حرف اضافه الزاماً با گروه اسمی‌ای که همیشه به دنبالش می‌آید، به کار می‌رود. «به گروهی که واژه اصلی یا هسته آن، حرف اضافه باشد، گروه حرف اضافه‌ای گفته می‌شود. حرف اضافه با گروه اسمی همراه اجباری که الزاماً به دنبال آن ظاهر می‌گردد، به کار می‌رود.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۷: ۱۹۱)

گاهی حرف اضافه با پیشوند بسیار نزدیک می‌شود و باید در تشخیص آن دقت کرد. «نقش حرف اضافه این است که معمولاً گروه اسمی یا اسمی را متمم کلمه‌ای دیگر می‌کند و با کلمه بعد از خود مجموعه‌ای می‌سازد که بیشتر یا معادل قید است و یا معادل صفت، مانند «کشور در حال توسعه» و «در نهان» بطوری که بعضی از این‌ها بدل به قید یا صفت مرکب می‌شوند مانند بجا، بموقع، برحق، بشتاب.» (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۶۴)

در دستوره‌های اخیر مفهوم گروه حرف اضافه‌ای بیشتر مطرح شده و حرف اضافه به تنهایی و جدای از وابسته‌هایش تصور نمی‌شود و برای آن، شأنیت گروه قائل شده‌اند. «گروه حرف اضافه‌ای به صورت ساخت «حرف اضافه+گروه اسمی» به کار می‌رود. حروف اضافه واژه‌های دستوری خاصی هستند که تنها در جلو گروه اسمی با روابط دستوری متفاوت به استثنای نهاد، مفعول صریح و مسند، وابسته صفتی و وابسته اسمی، ممکن است به کار روند و ارتباط دستوری و معنایی گروه اسمی را با سازه‌های دیگر جمله نشان دهند حروف اضافه، دسته‌ی محدودی از واژه‌های دستوری را تشکیل می‌دهند.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۴: ۲۳۴)

در تعریف فوق هم به ساخت گروهی حرف اضافه و هم به نقش‌سازی آن در زبان فارسی اشاره شده است. گروه حرف اضافه‌ای در نقش‌های متممی و قیدی دخیل است و معمولاً در نقش‌های نهاد و مفعول صریح کاربرد ندارد. «گروه حرف اضافه‌ای با روابط دستوری متفاوتی به‌ویژه رابطه دستوری متمم حرف اضافه‌ای در گروه اسمی، مفعول بواسطه متمم در گروه فعلی و نیز قید یا متمم قیدی به کار می‌رود؛ گروه حرف اضافه‌ای در رابطه‌ی دستوری نهاد و مفعول صریح به کار نمی‌رود.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۲: ۱۹۹)

برخی آن را گروه حرف اضافه‌دار دانسته‌اند و به هسته بودن حرف اضافه توجه کرده‌اند و برخلاف نظر دیگر دست‌نویسان «را»ی مفعولی را نیز در زمره حرف اضافه دانسته‌اند. «حرف اضافه، هسته گروه حرف اضافه دار است، حرف اضافه همراه گروه اسمی به کار می‌رود تا بر آن، نقش نحوی مفعول ۳ منتسب نماید. حروف اضافه زبان فارسی، به غیر از را، همیشه پیش از گروه اسمی خود ظاهر می‌شوند و نقش آن را مشخص می‌نمایند.» (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۲: ۴۹)

در این کتاب به ساختار و نقش گروه حرف اضافه‌ای نیز توجه شده است. «گروه حرف اضافه‌دار گروهی است که در آغاز آن یک حرف اضافه و به دنبال این حرف اضافه یک اسم یا گروه اسمی ظاهر می‌شود، یکی از نقش‌هایی که گروه حرف اضافه دار ایفا می‌کند، وابسته پسین اسم یا گروه اسمی است.» (همان: ۶۹)

گروه حرف اضافه‌ای نیز مانند گروه‌های دیگر دارای قاعده سازه‌ای است که مرکب از حرف اضافه و گروه اسمی است: «گروه حرف اضافه‌ای حرف اضافه + گروه اسمی»  
 باید توجه کرد مواردی مانند «از برای تو»، «به جز تو» و «به غیر از تو» و... ممکن است با قاعده فوق مطابقت نکنند، مگر آن که «از برای»، «به جز» و «به غیر از» و نظایر آن را حرف اضافه مرکب بدانیم که در این صورت تابع قاعده فوق خواهد بود.

### ۳. انواع حروف اضافه به عنوان هسته گروه حرف اضافه‌ای

حرف اضافه، هسته گروه حرف اضافه‌ای است و با توجه به ساده و مرکب بودن آن، هسته این گروه نیز ممکن است ساده یا مرکب باشد. غالب دست‌نویسان به این دو دسته ساده و مرکب توجه کرده‌اند: «حروف اضافه‌ای که تنها از یک بخش با معنا یا یک تکواژ تشکیل شده‌اند، حروف اضافه ساده هستند، حروف اضافه ساده عبارت‌اند از: از، به، با، تا، در، جز، بی، پیش، نزدیک، برای، روی، زیر، میان، پی، دنبال، مانند، کنار، پهلوی، مثل و جز اینها؛ حروف مرکب از دو بخش با معنا یا دو تکواژ تشکیل می‌شوند. حروف اضافه مرکب عبارتند از: بر روی، بر پایه، به جای، بر ضد، غیر از، در عوض، به دست، به وسیله، به سبب، به علت، به دنبال، به سوی، از روی، به کنار، به طرف، در کنار، نظر به و جز اینها.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۳۶) در این تعریف، تفاوت دسته‌بندی دو دسته مذکور، در معنا و تعداد تکواژ دانسته شده است که آوردن قید معنا در این تعریف باید با مقداری تسامح در نظر گرفته شود.

باید گفت حروف اضافه مرکب نسبت به ساده متنوع‌تر هستند و فهرست بازتری دارند و به مرور بر تعداد آنها افزوده می‌شود. «حروف اضافه ساده گاه با یک اسم می‌آیند و حرف اضافه مرکب می‌سازند و فهرست باز دارند و بر تعداد آنها افزوده می‌شود. مانند به وسیله‌ی، به عنوان، بر حسب و...» (وحیدیان و عمرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

برخی از حروف اضافه مرکب با قید همپوشانی پیدا کرده و نقش قیدی می‌گیرند. «برخی حروف اضافه را می‌توان بدون وابسته در نقش قید به کار برد. رایج‌ترین حروف اضافه‌ای که می‌شود آنها را بدون گروه اسم به کار برد عبارتند از بیرون، بالا، پایین، داخل. این حروف اضافه وقتی وابسته ندارند بدون جزء اضافه به کار می‌روند.» (ماهوتیان، ۱۳۸۳: ۶۸)

البته این تغییرات در حروف اضافه از گذشته مطرح بوده است یعنی برخی اسامی به حروف اضافه مرکب تبدیل شده‌اند، به این معنی که حروف اضافه، واژگانی بوده‌اند که معنای مستقل خود را از دست داده و حرف اضافه شده‌اند، به عبارت دیگر برخی حروف اضافه در گذشته مستقل بودند و به مرور معنای خود را از دست داده‌اند، از سوی دیگر حروف اضافه ساده با برخی واژگان آمیخته شده و حروف اضافه مرکب ساخته‌اند، سپس واژه از ساختار حرف اضافه مرکب خارج شده به‌عنوان کلمه مستقل و بیشتر در نقش قیدی به کار می‌رود؛

مثلا در+ داخل ← در داخل ← داخل: او داخل خانه است.

تبدیل اسامی به حرف اضافه در دوره معاصر رو به فزونی است، «واژه‌های دیگر نیز در زبان فارسی وجود دارند که در اصل اسم بوده‌اند، اما اکنون به خاطر از دست دادن قسمتی از مفهومی که از دستورنویسان آنها را نیز حرف اضافه قلمداد می‌کنند یا می‌توان گفت که این عناصر از موارد بینابین هستند و ممکن است در مورد اطلاق عنوان حرف اضافه یا اسم به آنها بحث و اختلاف نظر پدید آید... مانند جلو، پیش، پس، پایین، سوی، بالای، زیر، پیش، کنار، لای، درون، داخل، پهلو، دنبال، پی و غیره (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۰)

بنابراین در ساختمان حروف اضافه مرکب اسم یا واژه‌ی به کار رفته، ممکن است مفهوم اصلی خود را حفظ کرده باشد و در آینده استقلال معنایی خود را از دست بدهد. «در این قبیل ساختها فقط آدر، به و غیره [حروف اضافه هستند نه] پایین، سوی، بالا و غیره [به نظر می‌رسد که این نوع واژه‌ها هنوز مفهوم اولیه خود را حفظ کرده‌اند، و در آینده دور شاید از مفهوم خود تهی شوند و به حرف اضافه تبدیل گردند.» (همان)

از نظر ساختمانی حرف اضافه به چند شکل به کار می‌روند: «حروف اضافه مرکب به صورت دو حرف اضافه پیاپی یا «حرف اضافه + پایه واژگانی + \_» و تعداد کمی نیز به صورت «پایه واژگانی + حرف اضافه» به کار می‌رود: الف) از کنار، ب) روی، بر بالای، به دنبال، از روی، از پیش از، به جز، به روی و جز اینها، ب) به موجب، بر حسب، درباره، به طرف، به سوی، به کنار و... (پ) بنا بر، نسبت به، عطف به، بازگشت به، نظر به و جز اینها؛ چنان که مشاهده می‌شود، برخی از حروف اضافه ساده یا مرکب به واژه بست/ع/«\_» پایان می‌گیرد.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۲: ۲۰۶)

این حروف ممکن است از دو یا سه واژه تشکیل شوند و بر تعدادشان در آینده افزوده شود. برخی از آنها عبارتند از: از برای، به جز، غیر از، به غیر از، از بهر، از روی، از سر، از دست، بر اساس، بر پایه، درخصوص، درمورد، به مانند، از باب، از بهر، از حیث، از لحاظ، از قبیل، به صورت، پیش از، بعد از، قبل از، پس از، نسبت به، نظر به، علاوه بر، افزون بر، به عنوان، از فرط، با کمک، بر پایه، بر بنیاد، در برابر و در حدود.

ممکن است ساختمان حروف اضافه، برحسب پذیرش یا عدم پذیرش اضافه دسته‌بندی شود و از این منظر به دو دسته حروف اضافه می‌توان اشاره کرد: حروفی که «اضافه» نمی‌پذیرند مانند از، با، بر، به، جز، در؛ و حروفی که اضافه می‌پذیرند مانند از برای، بدون، برابر، بهر، پیش، نزد، زیر و از سر. این نوع حروف اضافه علاوه بر نقش‌سازی ممکن است به عنوان صفت، قید، اسم و... به کار بروند و خود هسته گروه قرار گیرند. «باید توجه داشت که نقش دستوری عناصر فوق منحصر به حرف اضافه نیست بسیاری از آنها می‌توانند به عنوان صفت، قید، اسم و یا عنصر رابط در ساختمان پیوند در گروه قیدی به کار روند، علاوه بر این چون مانند اسم، اضافه می‌پذیرند، به آسانی می‌توان بعضی از آنها را به عنوان هسته گروه اسمی به شمار آورد.» (باطنی، ۱۳۷۶: ۱۷۵)

بنابراین برخی واژه‌ها ممکن است در کاربردهای گوناگون به عنوان حرف اضافه، اسم، صفت یا قید به کار روند، «از جمله «درون»، «بیرون»، «پیش»، «پس»، «جلو»، «بالا»، «نزدیک» را می‌توان برشمرد.» (همایون فرخ، ۱۳۳۹: ۶۸۹).

حرف اضافه را متمم‌ساز نیز دانسته‌اند و برخی به جای متمم-ساز، گروه متمم‌ساز به کار می‌برند که مرکب است از: حرف اضافه + اسم + کسره اضافه؛ مانند به علت، به منظور، در باب، به پیش و... گاهی حرف اضافه این گروه‌ها حذف می‌شود مانند وسیله، توسط، پیش، نزدیک، عقب، نزد، جلو و... .

#### ۴. ویژگی‌های حرف اضافه

گروه حرف اضافه‌ای در مقایسه با گروه‌های دیگر دارای تمایزات و اختصاصاتی است که آن را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند. گروه‌ها معمولاً دارای ویژگی‌های زیر هستند:

۱. مرکزیت معنایی هسته و تبعی بودن وابسته.
۲. گسترش‌پذیری هسته با افزودن وابسته‌ها.
۳. تاثیرگذاری هسته بر چگونگی نقش دستوری وابسته.
۴. با حذف هسته، وابسته نیز حذف می‌شود یا جانشین آن می‌شود.
۵. خصوصیات هسته توسط وابسته شناسانده و تبیین می‌شود.



۶. هسته در سایر گروه‌ها تنوع نقشی دارد، مثلاً در گروه اسمی هسته می‌تواند فاعل، مفعول، متمم، مسند و... واقع شود.

۷. هسته در سایر گروه‌ها فهرست باز دارد و بسیار متنوع است.

البته می‌توان به خصوصیات فوق، ویژگی‌های دیگری را اضافه کرد.

در گروه حرف اضافه‌ای به اوصافی بر می‌خوریم که مقداری از ساختار سایر گروه‌ها فاصله می‌گیرد. در اینجا به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود:

۱. چگونگی مرکزیت هسته در این گروه

مرکزیت هسته در این گروه، بیشتر دستوری است تا معنایی؛ در جمله «علی به حسین کتاب داد» حرف اضافه «به» که هسته این گروه است غلبه معنایی ندارد بلکه عاملیت دستوری‌اش برجسته‌تر است.

۲. استقلال معنایی، املائی، آوایی و دستوری در این گروه

هسته گروه‌های دیگر از استقلال معنایی، املائی، آوایی و دستوری برخوردارند ولی در هسته گروه حرف اضافه‌ای ممکن است استقلال معنایی ضعیف‌تر از استقلال آوایی، املائی و دستوری باشد.

۳. هسته در این گروه دارای تفاوت سطح معنایی است

اگرچه هسته گروه حرف اضافه‌ای تفوق معنایی هسته سایر گروه‌ها را ندارد، اما باید توجه کرد که برحسب نوع حروف اضافه و نیز ساده یا مرکب بودن آنها می‌توان تفاوت معنایی را در گروه حرف اضافه‌ای احساس کرد. مثلاً در گروه‌های زیر بین (از، به، چون، مانند، پیش و زیر) تفاوت سطح معنایی وجود دارد.

- از فکرت کمک بگیر.

- به کتاب رجوع کن.

- کشوری چون ایران ندیدم.

- او پیش من نشست.

- قلم در زیر کتاب قرار دارد.

نکته دیگر این است که با توجه به کاربرد حروف اضافه در جمله می‌توان برای آنها معانی مختلفی تشخیص داد یعنی در عین حال که تفاوت سطح معنایی در حروف دیده می‌شود، هر کدام از حروف در جمله معناها و کاربردهای متعددی پیدا می‌کند. مثلاً حرف اضافه «با» در جمله‌های زیر معانی مختلفی را القا می‌کند:

- اکبر با حسین رفت. (در معنای همراهی)

- او با یک دست دو کتاب برداشت. (در معنای وسیله)

- او با برادرش این خانه را ساخت. (در معنایی استعانت و کمک)
  - با آن همه تلاش موفق نشد. (در معنایی با وجود)
  - با این پول نمی توان چیزی خرید. (در معنی معاوضه)
۴. توسعه ناپذیر بودن هسته‌ی این گروه

در گروه حرف اضافه‌ای، هسته قابلیت توسعه و گسترش ندارد ولی وابسته می‌تواند گسترش پذیر باشد، مثلاً در گروه حرف اضافه‌ای «به بهار» می‌توان وابسته را گسترش داد ولی هسته قابل گسترش نیست: «به بهار دیدنی طبیعت سرسبز ایران خوش آمدید».

۵. مشابهت این گروه با واژه مشتق (پیشوند و اسم)

در مواردی میان گروه حرف اضافه‌ای و کلمه مشتق (پیشوند و اسم) امکان تخیط وجود دارد، مثلاً در مثال‌های «ما باید به‌عنوان مقاله توجه کنیم/ تو به‌عنوان فرستاده ما به آن جا می‌روی» و یا در مثال‌های «به خرد او ایمان دارم/ او انسان بخرد و دانایی است» و «انسان، با ادب شخصیت خود را نشان می‌دهد/ انسان با ادب تربیت خانوادگی خود را نشان می‌دهد». با وجود شکل و ساختار مشابه، یکی گروه حرف اضافه‌ای و دیگری گروه وصفی یا اسمی است.

۶. گروه حرف اضافه‌ای با گروه متممی و گروه قیدی همپوشانی دارد

با توجه به تفاوت ساختاری این گروه با سایر گروه‌ها، در بین دستورنویسان، نگرش‌های متفاوتی درباره آن ایجاد شده است، برخی آن را گروه حرف اضافه‌ای می‌دانند و برخی گروه متممی؛ «نقش نمای متمم حرف اضافه است که پیش از اسم می‌آید و آن را متمم می‌سازد.» (وحیدیان و عمرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۹) برخی نیز آن را در زمره گروه قیدی یا متمم قیدی قرار می‌دهند. در جمله «او با اتوبوس به تهران رفت.» دو گروه ذکر شده که با عنوان گروه حرف اضافه‌ای، گروه متممی و متمم قیدی از آنها یاد می‌شود.

۷. نقش پذیر بودن یا بی نقش بودن هسته حروف اضافه

اگرچه برخی معتقدند حروف نمی‌توانند نقش دستوری ایفا کنند ولی برخی از حروف اضافه - که هسته گروه حرف اضافه‌ای هستند- نقش قیدی دارند و به‌عنوان قید استثنا یا مشابهت از آنها یاد شده است، برای مثال می‌توان به حرف چون و جز اشاره کرد.

۸. نیازمندی هسته این گروه به وابسته

مطلب مهم در بحث حروف اضافه مستقل نبودن آنها در کاربرد است زیرا معنی مستقلی ندارند، «غالب این دسته از کلمات (حروف اضافه و ربط) تنها برای بیان رابطه کلمات با یکدیگر در جمله به کار می‌آیند و به تنهایی معنی مستقلی به ذهن القاء نمی‌کنند.» (خانلری، ۱۳۸۲: ۲۱۱) به همین دلیل حروف اضافه، مستقل و بدون وابسته نمی‌توانند به کار بروند و همیشه به وابسته نیاز دارند.

## ۹. تقدم و تأخر هسته و وابسته در این گروه

یکی از تمایزات دیگر این گروه با گروه‌های دیگر آن است که در این گروه، هسته همیشه مقدم بر وابسته است، البته این مطلب در حروف اضافه مرکب نظیر (به جز، از برای و...) قابل تامل است. «حروف اضافه تنها در جلو گروه اسمی ظاهر می‌شوند و با آن، گروه حرف اضافه‌ای را پدید می‌آورند. گروه حرف اضافه‌ای با روابط دستوری مفعول بواسطه (با حرف اضافه «به»)، متمم و قید با مفاهیم متفاوت به کار می‌رود.» (مشکوه الدینی، ۱۳۸۴: ۲۳۶)

باید دقت کرد که با وجود مقدم بودن هسته در این گروه، ذکر وابسته پس از آن الزامی است و جز در موارد استثنایی، معمولاً ملازمت هر دو در جمله ضروری است. «رابطه گروه اسمی مندرج در گروه حرف اضافه‌دار با حرف اضافه آن همانند رابطه اسم با وابسته‌های خود نیست وابستگی در گروه حرف اضافه‌دار دو جانبه و از نوع متممی است، یعنی چنانچه حرف اضافه و یا گروه اسمی را از گروه حرف اضافه حذف کنیم، کاملاً گروه از هم پاشیده می‌شود و نمی‌توان آن را دیگر گروه به شمار آورد. اما چنانچه در گروه اسمی‌ای که دارای چند وابسته باشد، یک یا دو وابسته آن را حذف کنیم، باقی را باز می‌توان گروه قلمداد کرد پس، در گروه حرف اضافه‌دار وابستگی دو جانبه است، اما در سایر گروه‌ها یک جانبه است.» (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۲: ۹۴)

نکته دیگری که در ساختمان گروه حرف اضافه‌ای باید قابل توجه باشد، استثنایی است که در کاربرد تاریخی آن در فارسی دری دیده می‌شود، یعنی کاربرد دو حرف اضافه قبل و بعد از اسم؛ ساختار این نوع حروف اضافه به شکل (هسته+وابسته+هسته) بود، مثال: (به دریا در منافع بی شمار است.) گفتنی است که دو حرف مورد نظر، در عین گسستگی، معنای واحدی را القا می‌کردند. «در قدیم اقسام دیگری هم از گروه‌های گسسته حرف اضافه بوده است که از دو حرف اضافه ساخته می‌شده است، یکی پیشین و دیگری پسین، یعنی یک حرف اضافه پیش از کلمه یا گروه و دیگری پس از آن می‌آمده است.» (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۶۵)

## ۱۰. ذکر شدن وابسته با وجود حذف هسته در این گروه

گاهی در زبان گفتار و حذف به قرینه ممکن است در ظاهر هسته گروه، حرف اضافه‌ای حذف شود ولی معنای آن با وابسته باقی بماند. مثلاً در جواب جمله «علی به کجا رفت؟»، می‌توان گفت «تهران» و یا در جواب «علی کجاست؟» می‌توان گفت «او خانه است.» که در هر دو مورد هسته گروه ظاهراً حذف شده است. «حروف اضافه در زبان گفتار غالباً حذف می‌شوند بنابر قاعده کلی هر گاه در جمله‌ای نقش مفعولی اسم (یا ضمیر) به نحوی نسبتاً آشکار از مفهوم آن و نیز از بافت کلام مستفاد شود، حرف اضافه حذف می‌شود: برو منزل؛ واژه منزل (اسم) نمی‌تواند جز متمم جهت نما چیز دیگری باشد (شکل نوشتاری این جمله به منزل بود است) این وضعیت بخصوص با حروف اضافه‌ای مانند به (نمودار

جهت، حالت)، در (نمودار مکان) بر (نمودار مکان، جهت) و همچنین گاهی از (نمودار منشاء و مبداء) پدید می‌آید. «(لازار، ۱۳۸۴: ۲۲۷).

#### ۱۱. تاثیر حرف اضافه در کلیت معنای جمله

گاهی تاثیر حروف اضافه در جمله می‌تواند معنا را تحت الشعاع قرار دهد، یعنی حروف اضافه اگرچه به تنهایی چندان تمایز معنایی ندارند ولی در تغییر معنا دادن به جمله تاثیرگذار هستند. در جمله‌های زیر این تاثیر دیده می‌شود:

- من با او رفتم

- من بی او رفتم

- من برای او رفتم

- من بهر او رفتم

چنان که مشخص است گرانیگاه تغییر معنایی جمله در حروف اضافه (با، بی، برای و بهر) نمایان می‌شود و کاربرد نادرست آن سبب بی‌معنا شدن جمله می‌شود. در سه جمله زیر این مطلب دیده می‌شود:

- من به تو گفتم

- من از تو گفتم

- من در تو گفتم.

جمله اول و دوم از نظر معنایی تابع زبان معیار است ولی جمله سوم برخلاف زبان معیار است و فقط ممکن است در زبان هنری معنا پیدا کند. به عبارت دیگر امکان جانشینی هسته در گروه حرف اضافه‌ای خیلی کم است و موجب بروز اشتباه در کاربرد و معنا می‌شود و هسته آن بدون وابسته کامل نخواهد شد، زیرا در این گروه بر خلاف گروه اسمی، صفتی و... به آسانی نمی‌توان معنا را حفظ کرد و هسته را با حرف اضافه دیگری جایگزین کرد. در دو جمله زیر با عوض کردن هسته‌ی گروه حرف اضافه‌ای، معنا کاملاً دگرگون می‌شود:

- من از تو گرفتم.

- من به تو گرفتم.

#### ۱۲. بسته و محدود بودن فهرست هسته / این گروه

در پایان اشاره می‌شود که برخلاف سایر گروه‌ها هسته در این گروه، فهرست بسته و محدودی دارد و تعداد نوع ساده آن معمولاً ثابت است و نوع مرکب آن نیز اگر چه رو به فزونی است اما این روند بسیار کند است و در تغییرات زبانی و دستوری فهرست آنها بسته و محدود فرض می‌شود.

### نتیجه‌گیری

چنان که دیده شد گروه حرف اضافه‌ای در مقایسه با گروه‌های دیگر دارای تمایزاتی است، با توجه به اینکه درباره ویژگی‌های گروه حرف اضافه‌ای کم‌تر از سایر مقوله‌های دستوری کار شده، در این مقاله برخی از ویژگی‌های این گروه بیان شده است. در میان این ویژگی‌ها می‌توان به توسعه ناپذیری هسته این گروه، محدود و بسته بودن فهرست هسته این گروه، تفاوت مرکزیت هسته در این گروه با دیگر گروه‌ها، آمیخته شدن این گروه با واژگان مشتق و با گروه متممی و گروه قیدی، مقدم بودن هسته در این گروه، قابل حذف بودن هسته و... اشاره کرد. همچنین در دستورهای سنتی برای حرف اضافه نقش دستوری مطرح نمی‌شود ولی با دقت در کاربرد آنها باید گفت حرف اضافه نقش دستوری خصوصاً نقش قیدی را ایفا می‌کند.

### پی‌نوشت

۱. این نوع گروه‌های قیدی همان گروه‌های اسمی هستند که با اضافه شدن پیوندی به اول آنها می‌توانند در ساختمان بند جایگاه ادات را اشغال کنند و کارکرد نحوی تازه‌ای غیر از مسندالیه و متمم به عهده بگیرند پیوندی که در اول این گروه‌ها اضافه می‌شود از یک حرف اضافه اجباری و یک رابطه اختیاری تشکیل شده است، رابطه می‌تواند یک کلمه یا بیشتر باشد و می‌تواند پیش از حرف اضافه یا در پی آن قرار گیرد. (ر.ک: باطنی، ۱۳۷۶: ۱۷۳)
۲. البته این گروه با گروه متممی و گروه حرف اضافه‌ای اشتراکاتی دارد که نباید محل اشتباه شود. «متمم قیدی اگر بدون حرف اضافه باشد در دستورهای سنتی قید نامیده می‌شود... حرف اضافه می‌تواند گاهی از جلوی متمم حذف گردد. روی هم‌رفته متمم یعنی گروه اسمی که با حرف اضافه شروع می‌شود و می‌تواند گاهی گروه قیدی نیز نامیده شود.» (ابومحبوب، ۱۳۸۳: ۱۱۱)
۳. «گروه اسمی به دنبال حرف اضافه ظاهر می‌شود و متمم آن واقع می‌گردد، البته این نقش را با اصطلاح مفعول حرف اضافه نیز مشخص می‌کنند.» (غلامعلی زاده، ۱۳۸۲: ۷۹)

### منابع

- ۱- ابو محبوب، احمد. (۱۳۸۳). ساخت زبان فارسی، تهران: میترا.
- ۲- انوری، حسن و حسن احمدی. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی ۱، تهران: فاطمی.
- ۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). دستور زبان فارسی ۲، تهران: فاطمی.
- ۴- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- ۵- خانلری، پرویز. (۱۳۷۳). دستور تاریخی زبان فارسی، به کوشش عفت مستشار نیا، تهران: توس.
- ۶- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی، تهران: مهتاب.
- ۷- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی، تبریز: انتشارات کتاب فروشی.

- ۸- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۸۲). ساخت زبان فارسی، تهران: احیاء کتاب.
- ۹- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۵). گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: انتشارات اشرفی.
- ۱۱- کنت، رولاند. (۱۳۸۴). فارسی باستان، ترجمه سعید عریان، تهران: سازمان میراث و گردشگری.
- ۱۲- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- ۱۳- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، تهران: نشرمرکز.
- ۱۴- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۵- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). توصیف و آموزش زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، تهران: سمت.
- ۱۷- نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۸۹). درسنامه دستور (تحقیق در مباحث دستور زبان فارسی)، قم: دانشگاه قم.
- ۱۸- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۸۰). دستور زبان فارسی (۱)، تهران: سمت.
- ۱۹- همایون فرخ، عبدالرحیم. (۱۳۶۴). دستور جامع زبان فارسی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.